

اگر نماز، انسان را از کارهای

بدی ناشیست باز می‌دارد، چرا، برخی

از نماز سزای ازان، مرتکب گناه می‌شوند؟

یکی از خوانندگان گرامی سؤال میکند: از نظر قرآن مجید یکی از آثار نماز این است، که انسان را از ارتکاب کارهای بد دور سازد. آنجا که میفرماید: (واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر - سوره عنکبوت آیه ۴۳). نماز را بیادار، که ناساز انسان را از کارهای بد دور سازد (باز می‌دارد...) با اینحال ملاحظه میشود که برخی از نمازگزاران به گناه و کارهای بد ادامه میدهند و نماز در کردار و گفتار آنان اثری نمی‌گذارد. در این صورت معنی آیه باشد چیست؟

پاسخ:

اصولا باید توجه نمود، که پایه استوار برای پادداری انسان، از اخلاق و گناه، همان ایمان و یاد خدا است. انسان غافل از خدا، به سرانجام اعمال و کردار خویش نمی‌اندیشد، و برای ارضای تمایلات و غرایز سرکش خود، حدودی نمی‌شناسد. برعکس یاد خدائی که اتمام کارهای کوچک و

مکتب اسلام

ان الله جعل الذکر جلاء للقلوب، تسمع به بعد الوقره و تضرر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعاندة (۱)

خداوند یاد خود را صیقل و روشنائی دلها قرار داده که در پرتو آن، پس از گری می‌شوند، پس از تاریکی می‌بینند، و بعد از دشمنی و ستیزه، فرمان می‌برند.

علی (ع) در این جملهها، و غفلت، را یکنوع گری و گوری برای دلها می‌داند، که موجب سرکشی و ستیزه و دشمنی انسان با حق و حقیقت می‌گردد، و در پرتو این، ذکر و یاد خدا، دامایه شنوائی و روشنی معرفتی می‌گردد که نفس سرکش را مهار کرده، و او را از ستمگرگی با حقیقت باز می‌دارد.

بنابراین بیان بگذرد غافل از خدا و کيفرها و پادداریها، بیان سوار که رو گری است که بر اسب سرکش سوار باشد، بدون گنگسوا سب، او را به سنگ‌ها خواهد گریید و در میان درهای پرتاب خواهد کرد و این افرادی که دلها را بیدار و متذکر دارند، و اکتش اعمال خود را از یاد پاک نشاوده میکنند، سخن حق را کامل می‌شنوند، و نفس سرکش را با یاد خدا مهار می‌نمایند.

عالم باقر (ع) در ضمن اموری که به یکی از دوستان خود سفارش میکند، می‌فرماید: همواره به یاد خدا باشید، زیرا یاد خدا، میان انسان و ارتکاب عمل خلاف مانع و حائل می‌گردد (۲)

اصحیح بن نیاتہ می‌گوید: امیر مؤمنان فرمود:

(۱) نهج البلاغه عهده خطبه ۲۲۰

در دو موقع بیاد خدا باش یکی هنگام مصیبت و دیگری وقتی که با گناه و خلافی رو برو می‌شوی و یاد خدا در موقع روپرو شدن با گناه مهیتر است زیرا یاد می، میان انسان و گناه حائل میگردد.

\*\*\*

اما یاد خدا در جاتی دارد و هرگز یکنواخت نیست، گاهی به محضهای میرسد، که انسان را در برابر هر نوع گناه بیمه میکند و ارتکاب گناه، به صورت يك محال عادی در می‌آید، آنان افرادی هستند که در پرتو یاد خدا، قلوبی آرام، دلها را بیدار، دیدگانی پر فروغ، گوشهائی شنوا، و نفسی فرمانبردار دارند.

در بسیاری از مردم یاد خدا، در درجه متوسطی قرار میگیرد، مثلا افرادی پیدا میشوند که در عین اینکه به برخی از گناهان آلوده می‌گردند، ولی به هیچ وجه حاضر نمی‌شوند خوبی را بریزند، حال یتیمی را بخورند، به ناموس کسی تجاوز نکنند، زنا امیدانند که کيفرها را الهی در این موارد بسیار سخت‌وسنگین است و وجدان آنها در برابر این گناهان مقاومت می‌کند.

گاهی یاد خدا به قدری ضعیف و کم فروغ میگردد، که فقط به صورت زمینهای برای ترک گناه جلوه میکند، چه بسا عوامل تیر و متذکر، اثر این زمینیه را خنثی می‌سازد، ولی هر گاه یاد خدا در همین صورت که به اصطلاح علمت ناقص است پرورش داده شود، می‌تواند انسان را دایم از بسیاری از گناهان باز

(۲) ذکر الله علی کل حال و هوای بد ذکر الله و جل عند الله صمیمه بهم یهاق حول ذکر الله بینة بین الصمیمة سفینة الحارح اس ۴۸۶.



### نمازی سبيله يان خدا است

یکی از اسرار نماز این است که انسان را ییاد خدا می‌اندازد و خود قرآن یکی از عمود نماز را همین معرفی میکند چنانکه می‌فرماید: **اقم الصلاة لذكري** و سوره طه آیه ۱۴: نماز را برای یاد من بپا دار . ما گفته پیدا است . از آنجا که نماز عبادت است و آنرا باید با نیت نیت ، برای خدا انجام داد ، طبیعا موجب یاد خدا خواهد بود .

گذشته از این جمله‌هایی زبان جاری میکند که حسگی باعث توجه بخدا و پایه پااد است ، مثلا سوره حمدی را که در حال نماز می‌خوانیم نیت من ستایش خدا و بیاز سلمات و افعال او است و همچنین است از کار دیگر نماز .

اثری که نماز در روح و روان ما می‌گذارد ، همان ایمان و یاد خدا است . و یاد خدا همانطور که گفته شد درجاتی دارد ، و در باره افرادی که از ارتکاب بسیاری از گناهان پروائی ندادند ، یاد خدا نسبت بترك گناهان بصورت پاك زمینه است نه علت تامه و به عبارت دیگر : مقصود قرآن که نمی‌فرماید نماز انسان را از ارتکاب امور ناشایست باز می‌دارد ، این نیست که این کار ، اثر قضا و غیر قابل انکار است نماز است بطوری که هر فرد نماز گزار ، در برابر تمام گناهان مصوم میگردد ، بلکه مقصود این است که نماز موجب یاد خدا و سبب توجه بمقام ربوبی می‌شود ، و اثر طبیعی پاك چنین توجه ، این است که انسان را از گناه و خلیای بازدارد ، در او زمینه

روح اطاعت و ترك گناه پدید آورد ، ولی در عین حال چه با معنی است بر اثر ضعف توجه بچدا ، عوامل بیرونند تری اثر آنها حتمی سازد (۱)  
خلاصه اینها که اگر نماز ، نماز باشد در همه کمی تأثیر در برابر گناه خواهد گفارد گاهی این تأثیر زیاد و زمانی کمتر است و این بسا تفاوت گناهان و تفاوت نمازها تغییر پیدا می‌کند .



گذشته از این بیان ، پاسخ دیگری نیز در اینجا هست و آن اینکه : نماز همه افراد نماز گزار را ، از برخی گناهان بازمی‌دارد و در عین حال زمینه را برای ارتکاب گناهان دیگر آماده می‌سازد ، زیرا نماز گزار را ناچار است که برای صحت و قبولی نماز از برخی از گناهان اجتناب ورزد ، مثلا یکی از شرایط نماز مشروع بودن و میاج بودن تمام وسائلی است که در آن بکار می‌رود ، مانند آب وضوء و غسل و تکون و سائهای که در آن نماز می‌گردد . کم کم این موضوع سبب می‌شود که گناهان زیادی را ترك کند ، و در تارك کسب ادره نوع حرام اجتناب ورزد ، زیرا بسیار مشکل است که پاك فرد تنها در امور مربوط به نماز ، به خلیل بودن آنها مقید شود و در موارد دیگر بی‌پروا باشد .

شاهد این گناهان این است : کسانی که تارك نماز هستند ، با ترك این فریضه بسیاری از فرائض ناامانتند درود ، حج ، زکاة ، و خمس را ترك میکنند و فرقی میان حلال و حرام پاك و ناپاك نمی‌گذارند ولی بر عکس کسانی که لااقل سورتی از نماز را انجام میدهند طبیعا قسمتی از گناهان را بخاطر آن ترك می‌کنند ، تا چه رسد به افرادی که این فریضه را بصورت کاملتری انجام میدهند آنان نسبت به طائفه فوق ، گناهان کمتر و یا همه را ترك نمی‌نمایند (۲)